

ژورنال ملی معمار

سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۴۰۲





ژورنال ملی معمار

سال اول - شماره اول - پاییز ۱۴۰۲

در این شماره

- سخن آغازین ۶
- تاریخ شفاهی ۱۴
- یک پروژه ایرانی ۱۶
کلیسا حضرت مریم - بابک زیرک
- یک پروژه بین المللی ۲۶
فرودگاه بین المللی بانیوانکی - آندرا متین
- یک کتاب ۳۶
خانه های فیلادلفیا - خسرو بزرگی
- یک معمار ۳۸
فعالیت هنری - فرهاد مجذوب
- یک استاد ۶۲
یادبود ایرج اعتصام



دکتر علی شیخ الاسلام - اولین رئیس دانشگاه ملی ایران

عوامل ژورنال

• صاحب امتیاز: گروه تحقیق و مصاحبه معمار ملی و کانون معمار ملی

• مدیران مسئول: الهه مایانی، عیسی ذکایی

• هیئت تحریریه: فرشته حبیب، خسرو بزرگی، سید محمد بهشتی شیرازی، عبدالحسین توکلیان

• نماینده کانون معمار ملی: بابک زیرک

• مشاور مجله: فرخ درخشانی

• مترجم: اسماعیل باقری دوست

• طراح گرافیک و صفحه‌آرا: مهسا رستم‌زاده خامنه

دانشگاه ملی ایران از سال ۱۳۳۸

website:

memarmelli.com

Email:

memarmelli2023@gmail.com

Instagram:

memarmeli_oh

memarmellijournal2023

archway_group

به نام او و به نام تمام اولین‌ها که در حوزه آموزش و پرورش قدم‌ها برداشتند.

مجله معمار ملی با ارج نهادن به تمامی بنیان‌گذاران دانشگاه ملی (شهید بهشتی فعلی)، تلاش می‌کند تا علاوه بر معرفی تاریخ شفاهی دانشکده، معماری روز جهان - آثار ارزشمند میراثی کشور - معماران مطرح و فعال در سطح ملی و بین‌المللی - فعالیت‌های هنری، فرهنگی،

اجتماعی و مدیریتی معمار ملی و رویدادهای معماری و هنری ایران و جهان را بررسی و ارائه نماید. ما...

مفتخریم به اینکه، گروهی از معماران و مدیران مطرح و تاثیرگذار در سطح ملی و بین‌المللی در کنارمان حضور دارند. و ...

امیدواریم با استفاده از دانش و تجربیات ارزشمندشان، بتوانیم مجله معمار ملی را با بهترین کیفیت ارائه دهیم.

مفتخریم به اینکه، توانسته‌ایم با وجود مشکلات بسیار، مجله معمار ملی را پایه‌گذاری کنیم. و...

امیدواریم در ادامه راه و با حمایت کانون معمار ملی و جامعه بزرگ معمار ملی، روند رو به رشد کیفی مجله با قدرت ادامه یابد.

اولین شماره مجله معمار ملی را تقدیم می‌کنیم به...

اولین رئیس دانشگاه ملی ایران...

اولین رئیس دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه ملی ایران...

اولین اساتید دانشکده ...

اولین فارغ‌التحصیلان دانشکده...

اولین کادر اداری و خدماتی دانشکده...

و تمام کسانی که در دانشکده، خدمت کردند، درس دادند و درس خواندند... و اکنون در کنارمان نیستند...



الهه مایانی - عیسی ذکایی

پاییز ۱۴۰۲



فرشته حبیب



خسرو بزرگی



سید محمد بهشتی شیرازی



فرخ درخشانی



بابک زیرک

فرشته حبیب در سال ۱۳۳۴ در شیراز متولد شد. پس از اتمام تحصیلات دوران ابتدایی و دبیرستان، فوق لیسانس معماری خود را از دانشگاه شهید بهشتی با درجه عالی در سال ۱۳۶۰ دریافت نمود. سپس در سال ۱۳۸۱ موفق به اخذ درجه دکترا در رشته شهرسازی با درجه عالی از علوم و تحقیقات شد و دکترای دوم خود را در رشته معماری از دانشگاه مدیترانه شرقی در قبرس در سال ۱۳۸۶ دریافت نمود.

فرشته حبیب از همان دوران دانشجویی، طی سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۲ در دفتر مهندسی مشاور فرمانفرمایان، بعنوان نقشه‌کش، مشغول کار شد. علاوه بر چندین سال کار بعنوان طراح و پژوهشگر و مدیر پروژه در رشته معماری و شهرسازی با ارگان‌های مختلف دولتی و خصوصی، در دانشگاه‌های مختلف در سطح ملی و بین‌المللی تدریس نموده است. او طی سال‌ها فعالیت، کتب و مقالات متعددی را چاپ و منتشر کرده و در سمینارهای علمی بسیاری در سطح ملی و بین‌المللی شرکت کرده است.

وی در زمینه نقاشی نیز صاحب ذوق و طی سال‌های ۷۵ الی ۸۴ علاوه بر ارائه آثار نقاشی در همایش‌های هنری متعددی نیز شرکت داشته است.

خسرو بزرگی متولد سال ۱۳۲۸ است. پس از طی دوران دبستان و دبیرستان، در سال ۱۳۴۷ وارد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه ملی ایران شد و پس از اخذ مدرک فوق لیسانس در سال ۱۳۵۶، به خارج از ایران مهاجرت کرد. او در سال ۱۹۸۸ موفق شد دکتری خود را در رشته معماری از دانشگاه پنسیلوانیا دریافت کند. وی نزدیک به ۳۵ سال، بعنوان طراح و همکار طراحی در چندین دفتر مشاور معتبر در داخل آمریکا و سایر کشورهای اروپا، خاورمیانه و چین، تجربه حرفه‌ای دارد. طی سال‌ها پژوهش و مطالعه در زمینه فرهنگ و معماری شرق آمریکا، مفتخر به دریافت جایزه از بنیاد گراهام گردیده است. او همچنین پایه‌گذار دکتری در رشته برنامه‌ریزی معماری و ساختمان در دانشگاه اوکلاهوما است. با تلاش وی، مرکز مطالعه فرهنگ و معماری خاورمیانه، راه‌اندازی شد و پروژه‌ها و طرح‌های بسیاری در این مرکز توسط او هدایت می‌شود. خسرو بزرگی، بدلیل تحقیقات و مطالعات گسترده‌اش در حوزه معماری و طراحی شهری در جوامع بین‌المللی فردی کاملاً شناخته شده است.

خسرو بزرگی، استاد تمام معماری و طراحی شهری در کالج معماری گیسیس در دانشگاه اوکلاهوما آمریکا بوده و رشته‌های طراحی-تاریخ معماری- و تئوری معماری را تدریس می‌کند.

عبدالحسین توکلیان

عبدالحسین توکلیان متولد سال ۱۳۲۷ است. وی با گذراندن دوران مدرسه، در سال ۱۳۴۸ وارد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه ملی شد و در سال ۵۷ فارغ‌التحصیل شد، پس از عزیمت به خارج از کشور، تحصیلاتش را ادامه و توانست فوق لیسانس و سپس دکتری خود را در سال ۶۹ (۱۹۹۰ میلادی) در رشته معماری در دانشگاه پنسیلوانیا، دریافت کند.

او علاوه بر فعالیت در دفاتر معماری مختلف، ضمن حضور در سمینارهای تخصصی، مقالات پژوهشی، علمی و کتب معماری متعددی را عرضه کند.



سید محمد بهشتی در یکی از محلات قدیمی تهران در سال ۱۳۳۰ بدنیا آمد. دوران کودکی و نوجوانی خود را در خانواده‌ای پرجمعیت گذراند. پس از اتمام دوران تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی، سال ۱۳۵۰ در رشته معماری دانشگاه ملی قبول و پس از انقلاب ۵۷ در سال ۱۳۶۰ فارغ‌التحصیل شد. در نخستین روزهای انقلاب، به واسطه تجربیات خود در حوزه هنرهای تصویری، وارد سازمان صداوسیما شد. سال‌ها بعد، بنیاد سینمایی فارابی را پایه‌گذاری کرد و در ادامه با راه‌اندازی بنیان جشنواره سینمایی فجر، زمینه‌ساز معرفی سینمای ایران بعد از انقلاب به جهان گردید. از سال ۱۳۷۶ با ورود به سازمان میراث فرهنگی، خدمت در عرصه فرهنگ را بعنوان رئیس سازمان، تداوم بخشید.

تأسیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و آغاز روند ثبت جهانی آثار و ایجاد تغییر نگرش نسبت به مقوله میراث فرهنگی مهم‌ترین دستاورد دوران هفت ساله حضورش بود. سید محمد بهشتی عضو پیوسته فرهنگستان هنر است و از سال ۱۳۸۵ در قالب مدیریت دانشنامه تاریخ معماری و شهرسازی ایران‌زمین، توانش را صرف تدوین اثری جامع درباره سنت معماری و شهرسازی ایران کرده است. سید محمد بهشتی طی یک دهه اخیر در دانشگاه‌های مختلف به تدریس مشغول بوده و کلاس‌هایش در باب «تاریخ فرهنگی ایران» مشتاقان فراوانی داشته‌است.

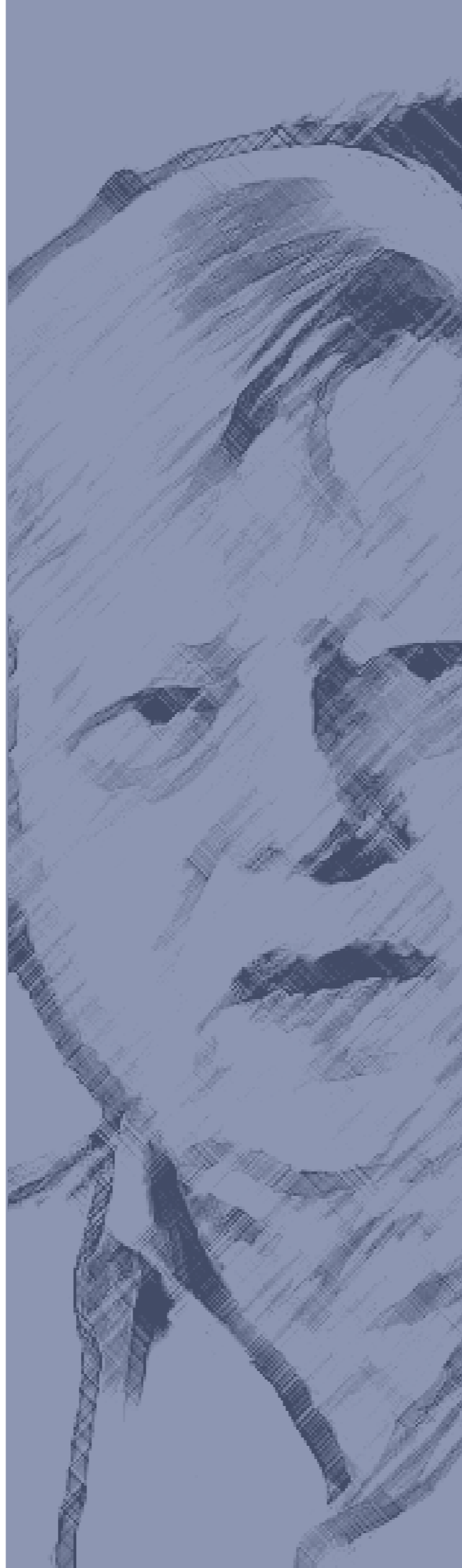
فرخ درخشانی متولد سال ۱۳۳۱ در تهران است. پس از گذراندن دوران تحصیل در ایران، سال ۱۳۵۰ وارد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه ملی شد و پس از دریافت مدرک فوق لیسانس در سال ۵۷، جهت ادامه تحصیل به خارج از ایران عزیمت کرد. او از همان ابتدا، وارد دفتر آقاخان شد و پس از چند سال فعالیت، از سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) تا کنون، ریاست جایزه آقاخان را برعهده گرفته است. وی علاوه بر مدیریت و هدایت جایزه آقاخان و حضور در مراسم‌ها و سخنرانی‌های معماری و هنری در کشورهای مختلف، بطور تخصصی در زمینه معماری معاصر جوامع اسلامی نیز فعالیت مستمر دارد.

بابک زیرک متولد ۱۳۳۳ و فارغ‌التحصیل رشته معماری از دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه ملی در سال ۵۸ است. وی علاوه بر معماری، در حوزه عکاسی با گرایش معماری - مناظر شهری و مردم‌نگاری فعالیت مستمری دارد. او صاحب مقالات و کتب متعددی در زمینه آثار ارزشمند میراثی کشور بوده و تلاش می‌کند این جنبه از معماری ایران را به بهترین وجه ارائه و معرفی نماید. او مدیریت مهندسی مشاور آران (گروه پژوهش معماری اقلیمی ایران) را از سال ۱۳۶۲ را برعهده دارد.

طی ۴۰ سال فعالیت حرفه‌ای، علاوه بر ارائه طرح‌های معماری و طراحی شهری، در مسابقات متعددی شرکت و در تعدادی از آنها نیز حائز رتبه شده است. برخی از مطالعات و پروژه‌های او به شرح زیر است:

طراحی غرفه ایران در اکسپوی ۲۰۰۰ (هانووور آلمان)
مدیریت پروژه گونه‌شناسی (تیپولوژی) مسکن در ۳ استان محروم کشور شامل: چهار محال و بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد و ایلام.

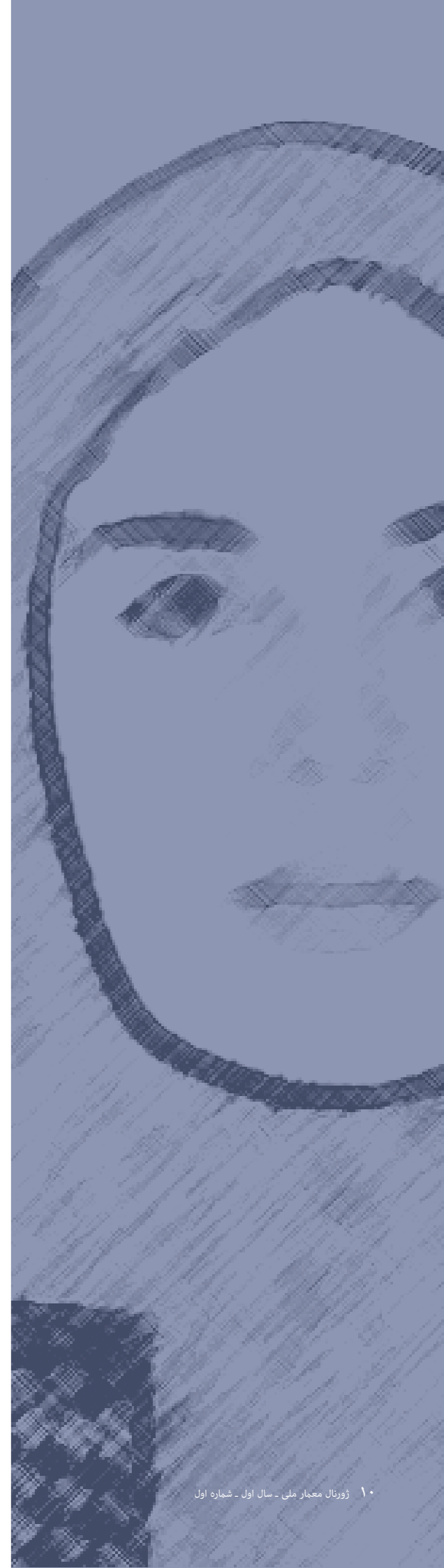
نگارش ۱۴ جلد کتاب در زمینه گونه‌شناسی (تیپولوژی) مسکن به سفارش مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی.



سید محمد بهشتی شیرازی

ایده اصلی مجله معمار ملی، معرفی و بررسی فعالیت‌های انجام‌شده یا آتی معماری و شهرسازی، چه در ایران و چه در سایر نواحی جهان است. تأمل در معماری کهن و بافت‌های تاریخی ایران، پرداختن به معماری روز جهان و همچنین به‌کارگیری آخرین فناوری‌ها برای حفظ و تداوم سنت معماری گذشته از دیگر اهداف مجله معمار ملی است. معرفی معماران دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه ملی دوران پهلوی دوم و عرضه پروژه‌های مطرح آن دوران و مقایسه با معماری امروز ایران می‌تواند راهگشا باشد. از ویژگی‌های دیگر مجله، معرفی دانش‌آموختگانی است که در سایر حوزه‌ها، از قبیل فرهنگ و هنر، ورزش، سیاست و مدیریت فعال بوده و توانسته‌اند ابعاد دیگر دانشکده را نشان دهند.

هیئت تحریریه مجله امیدوار است تا با همفکری و ایجاد نوآوری، همچنین همکاری جامعه بزرگ دانش‌آموختگان دانشکده (معمار ملی) با عرضه محتوایی درخور نام دانشکده، الگو و بستر مناسبی برای نسل جوان و پویای کشور ایجاد کند.

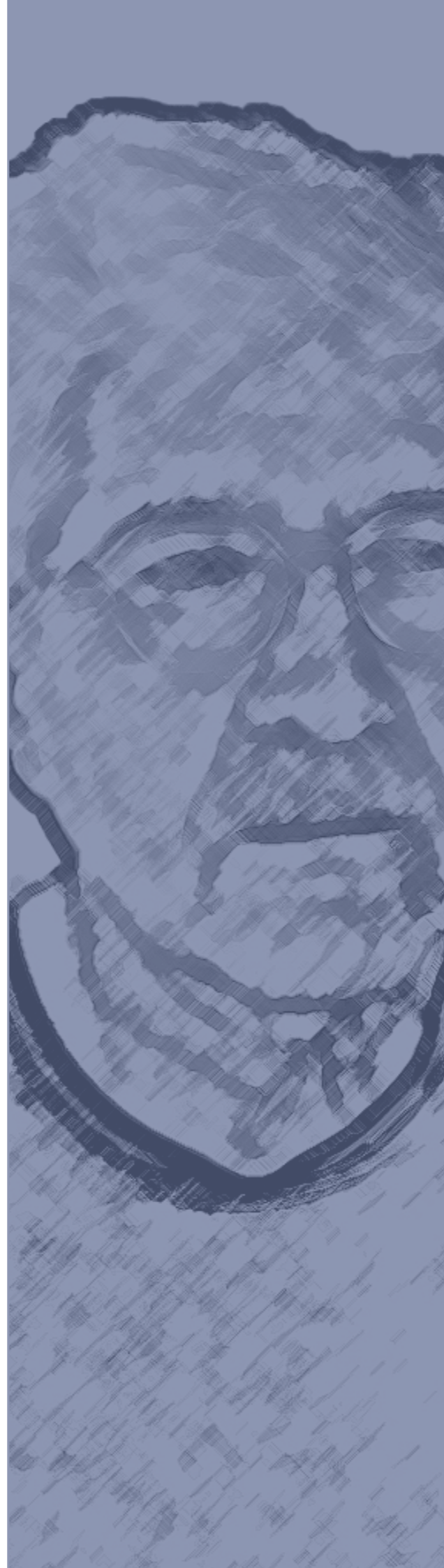


فرشته حبیب

مجله معمار ملی تحقیقات و عمل در معماری، برنامه‌ریزی و طراحی را در چهار حوزه گسترده پیوند می‌دهد: یعنی تحقیقات معماری، تحقیقات شهرسازی، طراحی معماری و طراحی شهری. تحقیقات معماری شامل موضوعاتی مانند روش طراحی، برنامه‌نویسی طراحی، تئوری معماری، فناوری معماری، عملکرد معماری، محیط و رفتار، تحقیقات طراحی تجاری، کاربردهای کامپیوتری در عمل معماری، فناوری اطلاعات برای متخصصان طراحی، ارزیابی پس از اشغال، ارزیابی محیطی، اجتماعی ارزیابی تاثیر، پیش‌بینی برای حرفه‌های زیست‌محیطی، مشارکت کاربران، آموزش محیط‌زیست برای عموم، انرژی، برنامه‌ریزی سایت، توپولوژی و پیکربندی ساختمان.

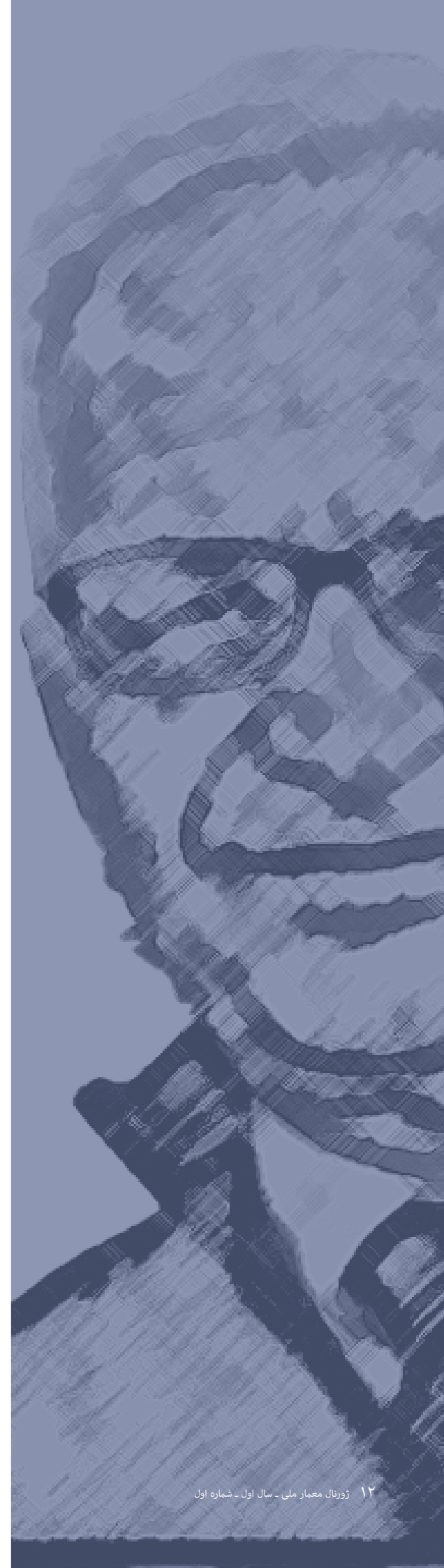
موضوعات تحقیق برنامه‌ریزی شهری شامل، اما نه محدود به، مطالعات اجتماعی، جغرافیایی، اداری و سیاسی از جمله عواملی است که در شکل‌گیری محله‌ها، شهرها و مناطق شهری نقش دارند. مجله معمار ملی ممکن است مورد توجه خاص معماران شاغل و شهرسازان قرار گیرد. این مجله موضوعات فوق را به عنوان مرتبط با تمرین پوشش می‌دهد و امکان انتشار طرح‌های معماری و شهری را فراهم می‌سازد.

تیمی از دانشگاہیان واجد شرایط و باتجربه سکان مسئولیت تحریریه را برعهده خواهند گرفت و با کمک هم جنبه‌های کمی و کیفی مجله را به پیش خواهند برد. ظهور موضوعات موضوعی بر اساس تقاضا به وجود آمده است. این موضوع یک اثر «ترکیبی» است.



عبدالحسین توکلیان

مجله معمار ملی نشریه‌ای است که به تئوری، عمل و شهرسازی معماری اختصاص دارد تا بهترین شیوه‌ها در معماری و برنامه‌ریزی را توسعه و ترویج دهد تا در نهایت به شهرهای قابل سکونت و قالب‌های ساخته شده دست یابد. این مجله نتیجه همکاری گروهی از اساتید از دانشگاه‌های عالی رتبه در سراسر جهان از جمله متخصصان سازمان‌های معتبر جهانی است. اعضای هیئت تحریریه همگی در دانشگاه معمار ملی شروع به کار کرده و در رشته‌های خود پیشرفت کردند. عشق و ارادت آنان به وطن، بیش از هر چیز دیگری، آنان را بر آن داشت تا نه تنها برتری ارزش‌های فرهنگی و هنری معماری ایرانی را به رسمیت بشناسند، بلکه با ایجاد محیطی در میان دانشجویان و دانش‌پژوهان، آن را برای پیشرفت رشته خود به مرزهای جدیدی ارتقا دهند.



خسرو بزرگی

رویکرد مجله معمار ملی، تبدیل شدن به یک نشریه دانشگاهی/حرفه‌ای شناخته شده در تفکر معماری و طراحی شهری با استفاده از سوابق تاریخی اثبات شده در زمان و گفتمان بین‌المللی مدرن است. معرفی جدیدترین ایده‌های طراحی، ادبیات/مفاهیم نظری و آموزش معماری اروپا، ایالات متحده آمریکا و خاورمیانه، همچنین، ایجاد انگیزه در طیف گسترده‌ای از خوانندگان علاقه‌مند و فعال در حرفه طراحی و آموزش معماری از اهداف این مجله است. رویکرد دیگر مجله، پیروی از مدلی است که جدیدترین تفکر نظری و طراحی را منتشر کند و به معماران، دانشجویان و عموم مردم کمک کند تا در لوای مطالعه اصول، ویژگی‌ها و خصوصیات معماری را بهتر درک کنند. این مجله استوار بر ارتقای دانش محیط ساخته شده، فناوری و فرهنگ طراحی برای ارزش‌های فکری و دانشگاهی است.

هدف ما خلق و تولید محتوایی است که چشم‌انداز ما را در انتشار خود تضمین کند، همچنین ممکن است به وضوح به سمت انجام فعالیت‌های آینده آن از نظر حمایت مالی و معنوی هدایت شود. این چشم‌انداز برای ترسیم آینده‌ای روشن، بدون ابهام، صریح و بلاغی، مختصر در اهداف مجله است. از نظر مفهومی، برنامه‌ریزی استراتژیک مجله، مبتنی بر اهداف روشنی است که رویکرد آن را محقق می‌سازد. بواسطه رویکرد حاضر استفاده از ارزیابی واقع‌بینانه از نقاط قوت دانشگاهی و اتکا به توانایی‌های فکری هیئت تحریریه، مسئولین مدیریت و همکاران، بر این باوریم که مجله می‌تواند هم به صورت عینی و هم ذهنی طیف گسترده‌ای از انتشارات را به انجام برساند.



تاریخ شفا دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه ملی ایران (شهیدبختی)

۲۶ مهرماه ۱۳۹۷

...زندگیزین امیدو حرکت

اولین سری از مصاحبه شوندگان در گذر اول پروژه



«پنج سال پیش، حوالی ساعت ۳ بعدازظهر یک روز پاییزی، پروژه تاریخ شفاهی معماری ملی در باغ موزه قصر، طی مراسمی با شکوه، معرفی و رونمایی شد.»

«تاریخ شفاهی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه ملی «در پاییز سال ۹۵ در موسسه تاریخ شفاهی معماری و شهرسازی (اندیشه معاصر)، تعریف و گروهی سه نفره، مسئولیت انجام این کار

را قبول کردند. قدم به راهی گذاشتند که پیروزی یا شکست در آن، چندان مشخص نبود. عدم تجربه گروه در این عرصه و نبود موردی مشابه در ایران برای آن، باعث شده بود کسی دورهای روشنی برای فعالیت گروه متصور نباشد.

اما برنامه‌ریزی منسجم و هدفمند گروه، همچنین برگزاری جلسات متعدد و دیدار با اعضای کانون معمار ملی، بخصوص، اطلاعات دریافتی از آقای عباس امینی (کادر خدماتی از زمان تاسیس دانشکده در سال ۱۳۳۹)، مقدمات

انجام پروژه مهیا گردید. بدلیل دامنه گسترده این پروژه، گروه تصمیم گرفت، جهت امکان انجام و ادامه کار، پروژه در بازه زمانی

۱۳۳۹ (اولین دوره پذیرش دانشجو) الی ۱۳۵۸ (بیستمین دوره پذیرش دانشجو و شروع انقلاب فرهنگی) انجام گردد. بدین ترتیب، پس از حدود دو ماه، هماهنگی و گردآوری و دسته‌بندی اولیه اطلاعات، اولین مصاحبه در اسفند ۹۵ انجام و پروژه آغاز گردید. در

ادامه و با اضافه شدن یک نفر دیگر به گروه، طی یکسال و نیم فعالیت، در تابستان ۹۷ بیست و سه مصاحبه انجام، و اسناد تاریخ شفاهی مرتبط، دسته‌بندی و آرشیو گردید.

در طول مدت انجام کار گروه تحقیق و مصاحبه معمار ملی، اعضای گروه، انتظار چنین پیشرفتی را نداشتند. ۲۳ مصاحبه، طی یکسال و نیم، اگرچه

نه خیلی زیاد، اما قابل تامل بود، قابل توجه اینکه در همان پاییز ۹۵، دو دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران و دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه ملی (شهید بهشتی)، همزمان، پروژه را آغاز کردند. اما، گروه تاریخ شفاهی هنرهای زیبا، بنا بدلایلی، پس از انجام چند مصاحبه، به نیمه

راه هم نرسید!

پیشرفت کار به حدی بود که گروه، پروژه را طی مراسمی در روز ۲۷ مهر ۹۷ رونمایی و معرفی کرد. با پیوستن نفر پنجم، گذر دوم در بهار سال ۹۸ ادامه یافت.

اینبار، مصاحبه با ۴۷ نفر از دانشجویان دوره‌های اول الی بیستم، انجام گرفت. با اضافه شدن بخشی، تحت عنوان «در مورد اساتید» خاطرات دانشجویان دوره‌های مختلف در مورد اساتید دانشکده، ثبت گردید. همزمان، خلاصه‌ای از گفت و گوهای انجام شده در کانال آپارات گروه، بارگذاری شد. در اواخر سال ۹۸، جهان با

پدیده‌ای بنام ویروس کرونا، مواجه شد. پروژه تنها یکسال دوام پیدا کرد، اما، علیرغم توقف پروژه، رکورد جالبی ثبت شد، طی دو گذر اول و دوم، ۴۵۰۰ دقیقه گفت و گو و حدود ۱۵۰۰ سند تصویری، ثبت و آرشیو شده بود. به عبارتی تاریخ شفاهی دانشکده، استخوانبندی و محتوای خود را پیدا کرد. پس از وقفه‌ای چند ماهه،

در همان دوران کرونا، پروژه اما اینبار، بصورت مجازی ادامه یافت. شاید که مجازی شدن فضای ارتباط میان مردمی که در قرنطینه بودند، باعث شد تا امکان گفت و گو با دانش‌آموختگان آن دوران میسر شود. معرفی فعالیت‌های هنری و گفت‌وگو در سایر موضوعات مرتبط با تاریخ شفاهی، بویژه آنان که هم اکنون، ساکن خارج از ایران هستند، تجربه ارزشمندی بود که باعث شد، ارتباط گروه با دانش‌آموختگان دانشکده، تداوم پیدا کند. ۱۵ گفت و گو و مصاحبه، ماحصل فعالیت گروه در دوران کرونا و پسا کرونا بود.

مدت ۷ سال از زمان پروژه می‌گذرد. اکنون در نقطه‌ای ایستاده‌ایم که می‌توان ادعا کرد، پروژه تاریخ شفاهی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه ملی، اولین

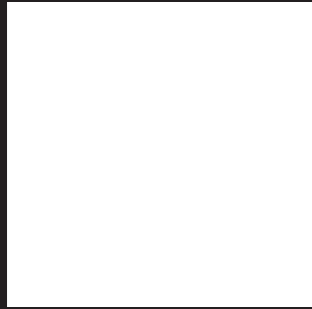
پروژه در حوزه تاریخ شفاهی دانشکده‌ها، موسسات آموزش عالی ایران است. پروژه با ایجاد یک منبع ارزشمند و آرشیوی غنی، مصاحبه‌ها و اسناد تاریخ شفاهی دانشکده را گردآوری کرده است. به تصویر کشیدن آنان که اکنون در میان ما نیستند یا بدلیل کهنوت سن، امکان همراهی ندارند، ثبت اسنادی که اگر گردآوری

نمی‌شد، بسیاری از تحولات و وقایع رخ داده در دانشکده، مجهول باقی می‌ماند که مهمترین دستاورد پروژه است. اما، دریغ از فرصت‌های بسیاری از دست رفت و هنوز بر دوش گروه، سنگینی می‌کند. چه افرادی که فرصت مصاحبه با آنان میسر نشد و چه اسنادی که امکان دستیابی به آنها، ممکن نگردید. امیدواریم در ادامه

کمبودها و نواقص موجود، جبران و تاریخ شفاهی دانشکده بعنوان مرجعی قابل استناد در حوزه تاریخ شفاهی دانشکده‌ها و موسسات آموزش عالی کشور، مورد استفاده پژوهشگران و علاقه‌مندان این حوزه، قرار گیرد.

مجله معماری ملی، نقطه عطفی است برای معرفی بیشتر دانشکده و فعالیت اعضای آن در حوزه تاریخ شفاهی و فعالیت‌های مرتبط با دانش‌آموختگان دورانی که معماری و آموزش معماری بسیار ارزشمند بود. امیدوار هستیم در آینده‌ای نه چندان دور، کتاب معماری ملی با هدف معرفی پروژه‌ها و پژوهش‌های این گروه از دانش‌آموختگان (معمار ملی)، تهیه و ارائه گردد.

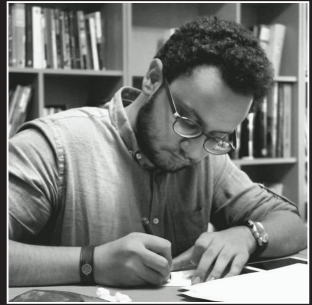
گروه تحقیق و مصاحبه معمار ملی پاییز ۱۴۰۲



الهه مایانی



عیسی دکایی



پرهام ادیب‌پور



اطلس سبحانی



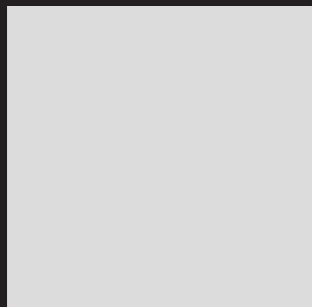
شهره کاشانی



وحید بهشتی
استودیو ردلیف



علی بختیاری
استودیو ردلیف





کلیسای

جلفا - اصفهان

حضرت مریم

بابک زیرک

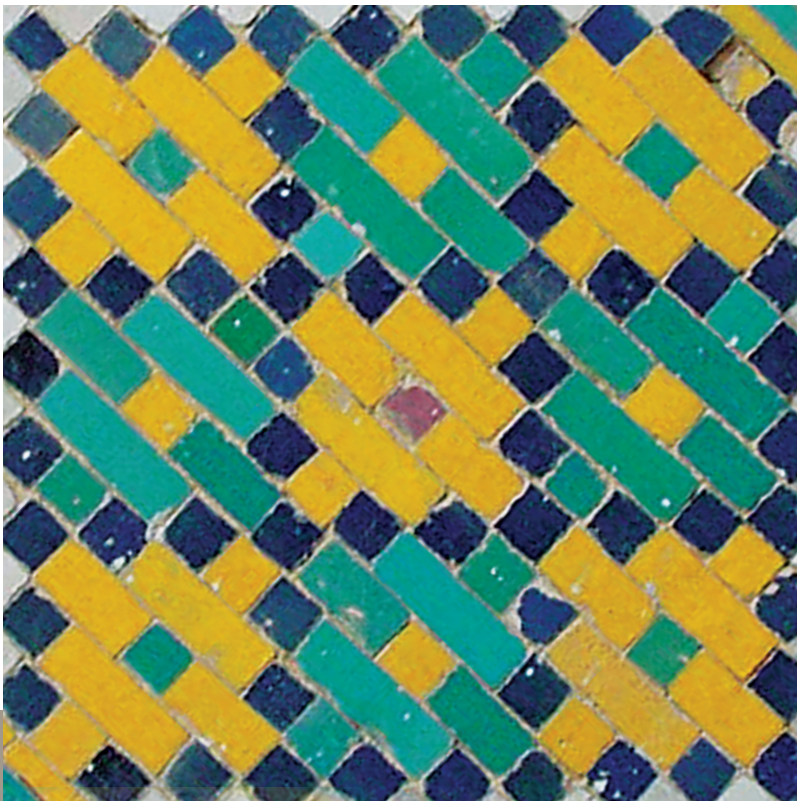
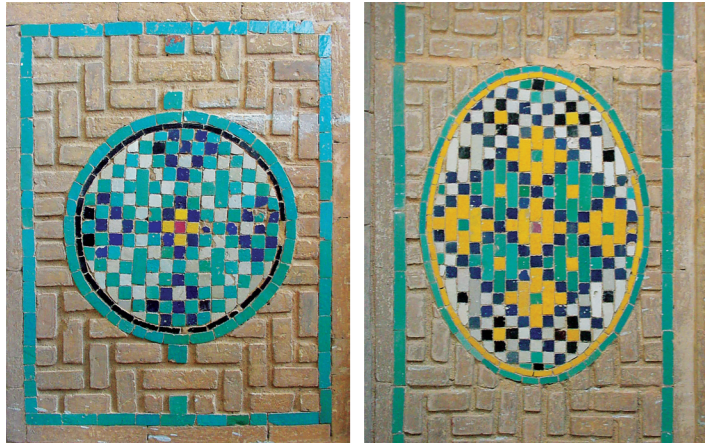
پیشگفتار

از سال‌های نخستین ورودم به دانشکده، همواره به دلیل علاقه‌ای که به معماری میراثی ایران داشتم و همچنین به دلیل حضور استادان ارجمندی چون: دکتر رضا کسائی و دکتر مهرداد بصیری غرب و پروژه‌های مهمی که در زمینه مرمت آثار کهن معماری جدا از تدریس در عرصه این کار تخصصی بر عهده داشتند، انستیتوی مرمت از جاذبه ویژه‌ای برایم برخوردار بود. این علاقه تا هنگام نگارش این سیاهه باقی‌مانده و همچنان رو به تزاید است.

انستیتوی مرمت همچنان رکن بزرگی در وادی علوم تئوریک و عملی دانشکده محسوب می‌گردد و جا دارد به تلاش‌هایی که در زمینه نگارش مجموعه بزرگ گنجنامه و قابل ارج‌گذاری فراوان در سال‌های بعد از انقلاب در دانشکده صورت پذیرفت نیز اشاره‌ای داشته باشم.

در سلسله مقالاتی که از این پس در مجله معماری ملی در خصوص آثار ارزشمند میراثی کشور خواهد آمد سعی بر آن دارم تا بیشتر به بناهایی که کمتر از آنها نام و نشانی آمده است بپردازم و در حد بضاعت کوشش خواهم نمود تا این گوهرهای بی‌نظیر که غبار گذار سالیان دراز بر پیکر آنها نشسته به شکل شایسته‌تری به مخاطبان عزیز معرفی گردند.

در نخستین گفتار از این مجموعه شرح ویژگی‌های معماری کلیسای شاخص حضرت مریم در محله جلفای اصفهان را تقدیم می‌نمایم.



نخستین کلیسای خود فضایی بسیار کوچک و به کلیسای "هاکوپ" موسوم بود وسعت دادند و کلیسایی به نام حضرت مریم را بنا کردند که نمازخانه‌اش در میانه محوطه کلیسای پیشین قرار گرفت.

کتیبه تاریخی و معتبر کلیسای مذکور، یکی از بازرگانان ثروتمند ابریشم در دوران شاه عباس اول به نام "خواجه آوادیس" را بانی ساخت کلیسا می‌شناسد که آنرا در سال‌های ۱۶۱۲ - ۱۶۱۳ برابر با ۱۰۳۳ - ۱۰۳۲ هجری قمری در محله "میدان بزرگ جلفا" احداث نموده است. بنیان‌گذار کلیسا، فضای داخلی آن را نیز با مجموعه‌ای از با چراغ‌ها و قندیل‌های زرین و سیمین و تابلوهای نقاشی براننده‌ای تزئین نمود. در میان آرایه‌های کنونی داخل کلیسا ۲ تابلوی بزرگ نقاشی رنگ روغن نیز در فضای داخلی کلیسای یادشده حضوری چشمگیر دارند که گویا توسط یک تاجر ارمنی از ونیز خریداری و به اصفهان آورده شده‌اند.

فضای اصلی کلیسا شامل تالار مستطیل شکل متناسب و مرتفعی به ابعاد ۲۰ × ۱۰ متر است فضای ورودی آن در امتداد طولی سالن و در جانب غرب آن قرار دارد، فضای مهرباب یا کرسی خطابه که با تزئینات ظریف گل و برگ آرایه شکفته نیز در انتها با چند پله در سطحی بلندتر از جایگاه نمازگزاران شاخص شده است. در زیر مهرباب دخمه‌ای در درون خاک وجود داشته که به کار تدفین می‌آمده، نورگیری طبیعی سالن

از گنبد کوچکی در سقف و همچنین از پنجره‌هایی کوچکی که در ارتفاع و در محدوده راهروی غلام گردشی سالن قرار دارند تامین می‌گردیده است.

گزارش تهیه شده توسط مسئول مرمت کلیسای حضرت مریم حاوی نکات جالبی در خصوص پیشینه کلیسا و وجود عزمی جدی برای ترمیم آن در دوران اخیر است بر این اساس اشاره شده است که:

" طرح اولیه کلیسا بر اساس مستندات تصویری دارای یک سالن مرکزی بزرگ بوده که از تمامی جوانب در میان ساختمان‌های دیگری قرار می‌گرفته است، همانگونه که آمد احداث مدرسه موسوم به مدرسه فرانسوی‌ها در جبهه شمالی کلیسا عملاً یکی از بناهای حایل فضای کلیسا تخریب گردیده و سبب بروز تخریب‌ها و ایجاد ترک‌ها و شکست‌هایی در تاق سالن اصلی و پایه‌های بنا شده بود، خوشبختانه کار مرمت و ایجاد سازواره‌ای برای تحکیم و تقویت عناصر اصلی و در شرف انهدام کلیسا توسط سازمان میراث فرهنگی و با مشارکت سفارت واتیکان در ایران و نمایندگان انجمن ملی آناستازیس (NGO) از ایتالیا و بر اساس انعقاد یک تفاهم‌نامه مشترک در سال ۱۳۸۴ با تعبیه تهیداتی نظیر شمع‌گذاری و ایجاد دیواره‌های حائل در داخل و خارج از سالن به منظور جلوگیری از تخریب بیشتر به صورت یک اقدام عاجل عملی گردید و در ادامه اقدامات لازم برای ترمیم تخریب‌ها و تحکیم پیکره و سازه‌های اصلی آن صورت پذیرفته است."

کلیساهای بزرگ و متعدد واقع در محله جلفا در شهر اصفهان که با دوران اقتدار این شهر تاریخی در زمان حکومت صفویان معاصر می‌باشند نمایانگر موضوعات و نکات ارزنده‌ای از وضعیت اجتماعی و اقتصادی و نیز همزیستی و تعامل پیروان ادیان الهی در روزگار درخشان سلسله حکومتی یاد شده و به ویژه تجلی آن در پایتخت ایشان می‌باشند. این بناهای شاخص در حقیقت از یک سو احترام ایرانیان و در رأس آنان حکومت صفویه را به اقلیت‌ها و ایجاد امکانات لازم برای انجام مناسک دینی آنان را نشان می‌دهد و از سوی دیگر نشانه‌ای از آزادی اقلیت‌های مذهبی در احداث بناهای متعدد مذهبی در محل سکونت ایشان بوده است، مصداق چنین ادعایی در دیگر عرصه‌های بافت قدیم شهر اصفهان که در دوران ایلخانیان و سپس صفویان شکل گرفته نیز همچنان به چشم می‌خورد؛ وجود کنیسه‌های یهودیان در محله جویباره اصفهان و بقایای آتشکده زرتشتیان در محله‌ای به نام گربآباد در نیمروز زاینده رود از جمله مواردی است که جای بررسی و پژوهشی پیگیر دارد. در همین ارتباط باید اشاره شود که بنا بر مستندات تاریخی تا پیش از پایان قرن هفدهم میلادی مسیحیان در شهر اصفهان ۶ کلیسا و در محدوده " جلفای نو" تعداد ۲۴ کلیسا وجود داشته‌اند، متأسفانه از این میزان پرشمار هم اینک تنها ۱۳ کلیسا در محله جلفا باقی‌مانده است.

از منظر معماری، طراحی کلیساهای آرامنه ساکن در اصفهان بنا بر نظر شاه عباس الزاماً می‌باید با کلیساهای ساخته شده در ارمنستان متفاوت می‌بود، این دستور و سیاست شاهانه با هدف تلفیق هرچه بیشتر فضاهای مذهبی آرامنه با ساختار معماری ایرانی و جلوگیری از بروز تفاوت بارزی بین پیروان دین اسلام به عنوان دین اصلی و مسیحیان مهاجر صادر گردیده بود به همین مناسبت معماران ارمنی جلفای اصفهان با تطبیق هنر معماری خود و شرایط حاکم اقدام به طراحی بناهایی متفاوت نمودند، بدین روال که آنان کلیه کلیساها را از نظر اصول مذهبی و پلان منطبق با کلیساهای زادگاهی خود در ارمنستان و از حیث ظاهر بیرونی با نمایی مطابق با بهره‌گیری از اصول و معیارهای معماری ایرانی معاصر خویش بنا نهادند امری که تفاوت اساسی با نمای کلیساهای واقع در ارمنستان داشت، به همین مناسبت نیز نتیجه این تصمیم سیاسی و تلفیق سبک‌های معماری ارمنی و ایرانی منجر به پدید آمدن بناهایی منحصر به فرد گردید که با گنبد‌های بزرگ خود گاه ظاهری همچون مساجد داشتند و متقابلاً بجای مناره‌های رفیع، برج کوچکی برای قرارگیری ناقوس در کالبد بیرونی آنان خودنمایی می‌کرد و سبب گردید تا مشابهی در هیچ نقطه دیگری نداشته باشند. بی‌تردید، عوامل دیگری همچون اقلیم منطقه و نوع مصالح برگرفته از بوم طبیعی که شامل آجر و خشت می‌شد، نیز در شاکله خاص ساختمان کلیساهای اصفهان بی‌تأثیر نبوده است.

به استناد آنچه آمد هم اینک در محدوده‌ای از محله قدیمی جلفا ۳ کلیسای بزرگ و دایر بجا مانده از دوران طلایی یادشده در فاصله‌ای اندک از یکدیگر پذیرای مسیحیان کاتولیک و گریگوری می‌باشند. بناهایی که به تبع منزلت اجتماعی و با تکیه بر توان اقتصادی این اقلیت دینی ساخته شده‌اند و هیمنه آنان بیانگر نقش موثر بازرگانان، هنرمندان و صنعت‌گران ارمنی در جامعه آن روزگار ایران بود.

در میان کلیساهای پیش گفته، کلیسای "حضرت مریم" کلیسایی است که به اعتبار ساختار اولیه‌اش واجد ارزشی خاص تلقی می‌گردد. بر پایه مستندات تاریخی، آرامنه مقیم جلفا.



کلیسای حضرت مریم چنانچه از سوابق نگاشته شده

در مورد آن بر می‌آید در طول دورانی طولانی به در ازای ۴ سلسله حکومتی در ایران دستخوش بیشترین تغییرات ساختاری در کالبد خود گردیده است، در واقع چنانکه بر می‌آید بنای کلیسای کوچک اولیه‌ای که در همین مکان قرار داشته، در دوران شاه عباس اول با توجه به نیاز این اقلیت مذهبی استقرار یافته در جلفا به کلیسای بسیار بزرگتری تبدیل می‌گردد، به گونه‌ای که از کلیسای پیشین تنها بقایای اندکی باقی می‌ماند، روند تغییرات در کالبد کلیسای جدید همواره ادامه می‌یابد تا بدانجا که علیرغم وجود اطلاعاتی که حاکی از احداث کلیسای حضرت مریم در دوران صفویه می‌باشد، شواهد بسیاری نیز حکایت از معماری مرتبط با دوران قاجار در آن وجود دارد.

جدا از آنچه آمد حسب بررسی‌های مرمتی و مطالعات انجام شده مشخص گردیده که احداث مدرسه‌ای تحت عنوان "مدرسه فرانسوی‌ها" سبب بروز تغییرات ماهوی زیادی در کالبد کلیسا گردیده است، در عمل وضعیت کنونی و فضاهای بجای مانده در محدوده کلیسا انجام عملیات ساختمانی در دوره‌های زمانی متفاوت و دخالت‌های مکرر در آنرا به اثبات می‌رساند. این امر مشخصاً نه تنها در مورد سازواره و ارکان اصلی معماری بنا که بدان اشاره شد، بلکه در فضای داخلی و تزئینات نمازخانه نیز مشهود است، در بررسی‌های انجام شده توسط متخصصین مرمتی سازمان میراث فرهنگی، مشخص شد که در زیر سطوح تزئینی موجود

کلیسا، تزئینات و نقاشی‌های دیگری وجود داشته که بر اساس ترمیم‌های انجام شده در زیر لایه جدیدتری از نظر پنهان گردیده‌اند.

شالوده بنای کلیسا بر بستر نسبتاً متراکم و مقاومی از خاک، با استفاده از گل شفته آهک ساخته شده است و بر روی آن دیوارهای قطور و باربر تالار نمازخانه اصلی کلیسا تماماً از خشت خام ساخته شده‌اند، دیوارهای چهار جانب فضا مذکور نیز همگی خشتی هستند، اما تویزه‌های اصلی قرار گرفته بر روی دیوارهای باربر از آجر پخته شده بنا گردیده و شکلی نیم دایره دارند، پوشش طاق‌های حدفاصل تویزه‌های مورد اشاره نیز همچنان خشتی و بصورت تیغه‌ای است. استفاده از تیرهای چوبی بصورت کلاف در بطن قوس‌های پوششی در دو جهت متقاطع و در شروع شکل‌گیری تویزه‌ها با هدف مهار و تحکیم سازه در قسمت فوقانی بنا و جلوگیری از رانش تویزه‌ها به سمت خارج بوده است که به نظر می‌رسد تا پیش از احداث مدرسه فرانسوی‌ها و تخریب بخش‌هایی از ساختمان‌های جانبی به درستی عمل می‌نموده‌اند.

بنای کلیسای حضرت مریم دارای ۲ ورودی در سمت شمال و جنوب می‌باشد و ورودی جنوبی با عبور از دالان بسیار طویلی مستقیماً به حیاط مرتبط می‌گردد اما ورودی



نمای بیرونی کلیسای حضرت مریم در جلفا

شمالی در ابتدا مخاطبین را به فضای مربع شکل کوچک و تاریکی رهنمون می‌نماید که از تنها درگاه کوچک آن می‌توان نمایی از حیاط و بدنه کلیسا را مشاهده نمود که خود جاذبه ویژه‌ای را ایجا می‌نماید. هر دو ورودی یادشده دارای عقب نشستگی و فضای پیش ورودی ساده‌ای با حداقل تزئینات و نمود بیرونی هستند.

در فضای داخلی عرصه‌ای فراخ و مشجر با درختان بلند کاج و درختان کوچک انار آرامشی بدور از غوغای شهر را به زائرین ارائه می‌نماید. سه جانب شمالی غربی و جنوبی حیاط را اتاق‌ها و حجره‌های کوچکی احاطه کرده‌اند که در ۲ طبقه همکف و اول جای گرفته‌اند.

پوشش دیواره‌ها در این بخش گلین است اتاق‌ها در طبقه همکف با گشودگی‌های کم عرضی رو به سمت حیاط دارند. پنجره‌ها قوسی تماماً چوبی بوده و بازشوها به صورت درهای کوچک دو لنگه‌ای راه ورود به حیاط را می‌گشایند.

سطح کف حیاط با ساده‌ترین شکل ممکن با آجرهای مربع شکل پوشانیده شده و نسبت به کف اتاق‌های پیرامون در حدود ۵۰ سانتی‌متر عمیق تر است. ساختمان اصلی به صورت مکعب مستطیل مرتفعی است که گنبدی بزرگ و آجر پوش در میانه آن قرار گرفته است.پیرامون فضای سالن اصلی یا نمازخانه کلیسا را تراسی در ۳ جبهه به ارتفاع حدوداً ۸۰ سانتیمتر از تراز کف حیاط فرا گرفته که با رواق‌های زیبایی پوشیده گردیده و احداث آن به سال ۱۹۰۳ میلادی باز می‌گردد.



نمای بیرونی کلیسای حضرت مریم در جلفا



نمای بیرونی کلیسای حضرت مریم در جلفا

سقف این رواق ها از یک سو بر دیوار بیرونی کلیسا تکیه دارد و از سوی دیگر بر روی ستون‌های سنگی ظریفی قرار گرفته است. ستون‌های مدور سنگی تراش مارپیچی برجسته‌ای دارند و بر روی پایه ستون‌ها و سرستون‌هایی با قاعده مربع استوار شده‌اند، تیرهای چوبی مهارکننده به صورت متقاطع کلاف زیبایی را بر روی این ردیف ستون‌ها شکل داده‌اند . تزئینات ساده پیشانی رواق‌ها ترکیبی خوشایند از آجرچینی با نظمی خاص و آجرهای کوچک لعاب‌دار به رنگ‌های آبی، زرد و فیروزه‌ای را به نمایش می‌گذارند. پوشش سقف رواق‌ها با صفحات چوبی خشت مانندی جای گرفته و شبکه‌ای منتظم عملی گردیده که خود در عین سادگی، زیبایی خاصی به فضا القا می‌نماید.

در دو جانب درگاه ورودی سالن اصلی دو فرورفتگی بزرگ که با جرزه‌های ضخیم از ورودی جدا شده‌اند سنگ‌های مزاری دیده می‌شود که مدفن بزرگان این آئین بوده است.

جدا از گنبد بزرگ آجرین، برج ناقوس کلیسا که سقف هرمی شکل دارد شاخص‌ترین عنصر بیرونی در بام کلیساست که با آجر معقلی و رنگین تزئین گردیده و نشان از سبک معماری قاجاری دارد، روایت شده که کلیسای حضرت مریم تا سال ۱۸۴۸ تخته‌ای به جای ناقوس داشت که از صدای آن در اوقات و مناسبت‌های مختلف استفاده می‌شده، در این دوره کشیش "بارسق گالستانیان" به هنگام بازگشت از سفر هند ناقوسی به جلفا آورد تا در این کلیسا نصب گردد. نکته‌ای که در تشریح وضعیت ظاهری و شاکله کلیساهای اصفهان و مشخصاً کلیسای حضرت مریم، حائز اهمیت ویژه‌ای تلقی می‌گردد موضوع رعایت حرمت حضور در پایتخت کشوری مسلمان توسط مسیحیان است.

در واقع عناصر مهمی چون آستانه و درگاه ورودی و گنبد رفیع این فضای مقدس اگرچه در تشابه کم نظیری با فضاهای مذهبی مسلمانان معاصر خویش است اما با هوشیاری از ایجاد تزئینات و آرایه‌های چشمگیر در سطوح بیرونی این عناصر و دیگر بخش‌های مرئی در معابر شهر به شدت پرهیز شده است، به عنوان نمونه از کاشیکاری هنرمندانه گنبدها، ایوان‌های ورودی و نمای بیرونی مساجد بزرگ اصفهان هیچگونه نشانی در این کالبدهای عظیم به چشم نمی‌خورد و آجر یگانه عنصر شاخص اینگونه بناها در بخش‌های مرئی است، تزئینات رنگی داخل صحن باز و فضاهای مرتبط با آن نیز در نهایت اختصار صورت پذیرفته تا حساسیتی را در خصوص تبلیغ آئین یادشده برنیانگیزد.متقابلاً در فضای داخلی نمازخانه کلیسا مملو از تزئینات، آرایه‌ها و نقاشی‌هایی است که تضادی بارز با نمای بیرونی آنها را به نمایش می‌گذارد.

حیاط کلیسا فضایی صمیمی و زیباست که پس از حیاط کلیسای وانک دومین عرصه بزرگ مذهبی در جلفا محسوب شده و مراسم مذهبی در آن برگزار می‌گردد دیوارهای بلند صحن کلیسا تنها آسمان لاجوردی و نمایی از گنبد و برج ناقوس کلیسا و همچنین گنبد کلیسای بزرگ بیت‌الحم را در معرض دید زائرین قرار می‌دهند، از آنجا که این کلیسا به نام حضرت مریم نامگذاری شده زنان ارمنی با علاقه بیشتری به این کلیسا مراجعه می‌کردند و در ایام قدیم در روز چهارشنبه قبل از عید پاک برخی از آنان برای مشارکت در مراسم مذهبی با پای برهنه در آن کلیسا حضور به هم می‌رسانیدند.



پلان

• نوشته و تصاویر: بابک زیرک

منابع و مأخذ:

- آرشیو مطالعات انجام شده توسط مهندسین مشاور آرآن - گروه پژوهش معماری اقلیمی ایران
- مطالعات معاونت معرفی و آموزش سازمان میراث فرهنگی
- نشریه دانش نما، شماره ۱۶۲-۱۶۱
- عکاس تصویر داخلی: ناصر میزبانی



جایزه معماری آقاخان

اعضای کمیته راهبری جایزه ۲۰۲۲



سر دیوید چپرفیلد



میسا باتایانه



امره آرولات



شیخا بنت محمد ال خلیفه

حضرت والا آقاخان
رئیس هیئت مدیره

سارا ام وایتینگ



مارینا تبسم



ناصر ربات



سلیمان بشیر دیاگنه

جایزه معماری آقاخان هر سه سال یکبار برگزار و پروژه‌هایی که در حوزه‌های معماری - برنامه‌ریزی - حفظ میراث تاریخی و معماری منظر، استانداردهای جدیدی را مطرح می‌کنند توسط هیئت امنا بررسی و سپس برای داوری نهایی به داوران ارشد مسابقه معرفی می‌شوند.

اساس فرایند داوری در رسیدن به نتیجه مطلوب، بررسی پروژه‌ها از طریق بازدید میدانی است. بازدید از پروژه، علاوه بر امکان درک عمیق از طرح، امکان گفت و گو با ارکان پروژه (کارفرما - طراح - بهره‌بردار) را فراهم می‌کند. معیار قضاوت، مطالعه دقیق روند و برنامه‌ریزی طراحی، مراحل و چگونگی اجرای پروژه به همراه بررسی جزئیات کامل بعنوان سند و مرجع مستدل خواهد بود. اسنادی که صرفاً متکی بر نقشه و عکس نیست.

علیرغم اینکه، برخی از پروژه‌ها، مبتنی بر جامعه خودشان هستند، اما بررسی مسائل اقتصادی و اجتماعی - فناوری - اکولوژی - مصالح - سیاست - فرصت‌های شغلی و حتی منابع مالی پروژه کاملاً بررسی می‌گردد. طبعاً، فرایند بررسی موارد گفته شده عمدتاً در پروژه‌های فرهنگی و عمومی دیده می‌شود.

با این مقدمه، مجله معمار ملی تلاش می‌کند تا در شماره‌های آینده، علاوه بر معرفی معماری سایر کشورها، پروژه‌هایی که در زمره کاندیداها و برندگان جایزه آقاخان بوده‌اند را نیز معرفی نماید.



بان‌فرودگاه بین‌المللی ووانگی

یکی از ۶ برنده جایزه معماری آقاخان در سال ۲۰۲۲ میلادی



شرح پروژه

آزوار انس، عضو شورای بانووانگی از سال ۲۰۱۰، دراندونزی، متولد و بزرگ شده است. هدف او در این پروژه، توسعه و گردشگری از نظر زیست‌محیطی، تضمین منافع اقتصادی مردم محلی و کاهش تخریب محیط‌زیست در بالی و سایر نقاط توریستی است. او جهت کنترل بر توسعه پایدار، منابع مالی برای بودجه فرودگاه را بدون نیاز به کمک دولت از طریق منابع محلی، تامین کرد. در همین راستا، دولت منطقه‌ای به شعاع ۱۰ کیلومتر، شامل روستاها و شالیزارهای موجود را بعنوان منطقه‌ای در خدمت پروژه اعلام کرد تا جهت بهره‌برداری تجاری از زمین‌های اطراف فرودگاه، بکار گرفته گردد.

این پروژه بعنوان یک مسئولیت اجتماعی با الهام از خانه‌های قبیله محلی اوسینگ، توسط آنرا متین، طراحی شده است. کلیه عناصر موجود در بنا حفظ و بازآفرینی شده است فقط در پوشش سقف نهایی، بجای کاشی از چمن، بعنوان بام سبز، استفاده شده است. پوشش چمن علاوه بر عایق حرارتی، هماهنگی ساختمان با محیط پیرامونش را تقویت می‌کند. نورگیرهای هرمی نامتقارن با قاب‌های چوبی هماهنگ با معماری محلی در بام، خودنمایی می‌کند. نمای خارجی برای گردش هوای گرم و خروج از سطح فوقانی، توسط پانل‌های سوراخ‌دار، طراحی شده است. این روش یکی دیگر از تکنیک‌های قبیله محلی اوسینگ است. تمامی عناصر و جزئیات بکار رفته در پروژه، توسط صنعتگران محلی ساخته شده‌اند.

این فرودگاه علاوه بر جذب گردشگران سایر کشورها، ضمن پذیرش مسافرین عازم به مراسم حج، راهروی وسیعی را در نظر گرفته که اعضای خانواده می‌توانند هنگام عظیمت به عربستان، بتوانند عزیزانشان را بدرقه کنند.

فرودگاه ظرفیت پذیرش ۳۰۰۰۰۰ مسافر در سال را دارد. فضای ۱۶۰ هکتاری فرودگاه امکان توسعه فرودگاه برای پذیرایی از ۳ میلیون مسافر را بدون تجاوز به منطقه توسعه نیافته، دارد.

استناد هیئت داوران

برخلاف فرودگاه‌های رایج در دنیا که اغلب فضاها، بسته و جدا از محیط اطراف خود هستند، فرودگاه بین‌المللی بانووانگی نتیجه اجرا شدن یک ایده زیبا است. این فرودگاه با در هم آمیختن فرهنگ، اکولوژی و طراحی منظر، ضمن خلق مجموعه‌ای زیبا، دلنشین و کارآمد با معرفی و بکارگیری عناصر ساده، سبک جدیدی در معماری، ارائه و الگوی جدیدی در طراحی فرودگاه‌ها به حساب می‌آید. این ساختمان به همراه شالیزارهای اطراف، تلفیقی از هماهنگی معماری، عملکرد و محیط پیرامونش است. گردش فضایی و عملکرد صحیح، بکارگیری مصالح سازگار با محیط‌زیست به بهترین نحو ممکن انجام شده است. ساختمان از تمامی جهات باز و گردش هوا براحتی برقرار است. استفاده مجدد از آب بازیافتی حاصل از بام سبز یکی دیگر از ویژگی‌های پروژه محسوب می‌شود. در عین حال، ایجاد منظره‌ای زیبا و آرام براحتی قابل تشخیص و تمییز است.

با توجه به هدف‌گذاری دولت اندونزی برای ساخت حدود ۳۰۰ فرودگاه در آینده نزدیک، طرح و ایده فرودگاه بانووانگی می‌تواند الگوی مناسبی برای سایر فرودگاه‌های جدید باشد.

نکته قابل ستایش در این پروژه، هماهنگی و همکاری مشترک بین کارفرما و معمار می‌باشد. مجموعه تصمیمات گرفته شده، نشان از تعهد و خرد جمعی برای ساخت ساختمان‌های عمومی یا زیرساختی است که با ارزش‌های انسانی و زیست‌محیطی مطابقت دارد.



اطلاعات پروژه

کارفرما: مقامات دولتی منطقه‌ای بانیووانگی، جاوه، اندونزی: عبدالله آزار انس، عضو شورای سابق.
دبیر منطقه: موجیونو.

اداره خدمات عمومی، سکونتگاه‌های انسانی و مسکن منطقه بانیووانگی
مدیر: دانانگ هارتانتو.

مدیر اجرایی منطقه: ایندروانسیاه.

اعضای گروه: میلیا ماهارانی، دیوی نورحیاتی، آپمده نزار اولیا رحمان، رنی کاریکا راتریانی.

معماران: استودیو معماری آندراماتین، جاکارتا، اندونزی.

معمار اصلی: آندرا متین.

معماران همکار پروژه: اخیار مولیدان، افرام جوزف مدیا، دانی سیاوالیه.

گروه معماران پروژه: پوتو آدی ویدیانتارا، نووی سپریما، سن سن تانتورو.

مشاور فنی: سویه خسوا.

مدلینگ: سهدی.

گروه عملیاتی فرودگاه

شرکت فرودگاهی: پی تی آنکازا پورا. II - جاکارتا، اندونزی.

مدیر کل اجرایی: رادیتو آری پوروکو.

ساتریا فینادیتا: کارمند گروه طراحی ساختمان - بخش طراحی فرودگاه آنکازا پورا II.

مدیر فرودگاه: پرانانتا سمبیرینگ.

دستیاران مدیر فرودگاه: دیان پوروو آتماجا، محمد اکمال رحمدان.

مهندس فرودگاه: رامادیان عبدالهادی.

سازه و روشنایی

سונجاری: مدیر شرکت کاندرا کنکانا، بانیووانگی، اندونزی.

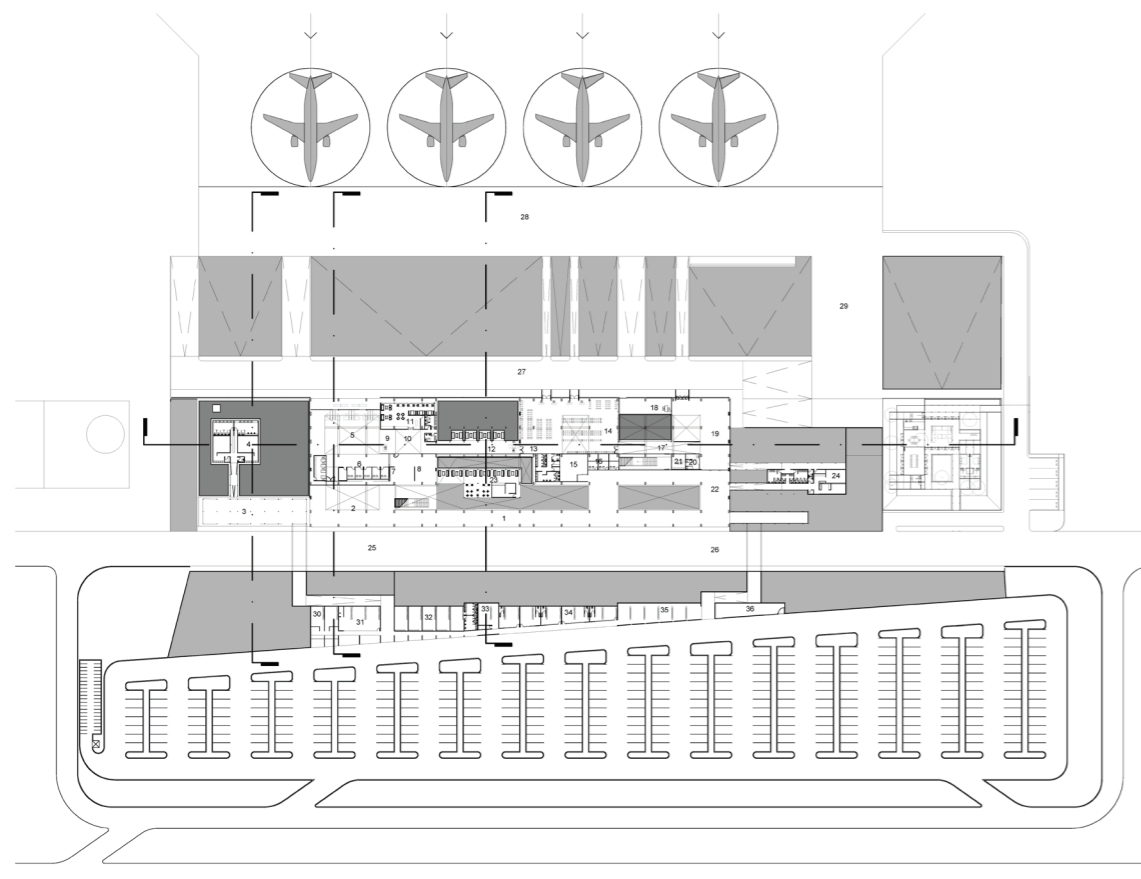
سازه: هادی جاهجا: مدیر شرکت هادی و شرکاء، جاکارتا، اندونزی.

پیمانکار: رضا سنجایا، مدیر پروژه شرکت نیندایا کاریا، جاکارتا، اندونزی.

مهندس: ازهر فهمی.

نقشه کش: ایک توتوس.

پیمانکار داخلی: تکوه بودیونو سوتریسن: مدیر شرکت جاوا تکتونا، بانیووانگی، اندونزی.



- 1 curbside
- 2 information
- 3 commercial area
- 4 mushola/ prayer room
- 5 check in
- 6 ticket airline
- 7 ATM
- 8 souvenir shop
- 9 airport tax
- 10 foyer
- 11 lounge
- 12 outdoor boarding lounge
- 13 security check point
- 14 indoor boarding lounge
- 15 MEP room
- 16 commercial area
- 17 transit/ transfer passage
- 18 ground service office
- 19 baggage claim
- 20 clinic
- 21 lost & found
- 22 arrival hall
- 23 cafe
- 24 mushola/ prayer room
- 25 drop off
- 26 pick up area
- 27 road
- 28 apron
- 29 airport vehicle
- 30 mushola/ prayer room (unbuilt)
- 31 multifunction room (unbuilt)
- 32 food court (unbuilt)
- 33 MEP room (unbuilt)
- 34 multifunction room (unbuilt)
- 35 waiting room (unbuilt)
- 36 generator room

ground floor plan

معرفی استودیو معماری آندرامتین

این استودیو در سال ۱۹۹۸ با هدف فعالیت در حوزه معماری و طراحی داخلی در جاکارتا، اندونزی تاسیس شد در ابتدا، بعنوان یک دفتر کوچک و نوپا، طراحی پروژه‌های مسکونی از طراحی مبلمان در مقیاس کوچک تا طراحی شهری در مقیاس بزرگ را بعهده گرفت و با گسترش دامنه فعالیتش در طی سال‌ها، پروژه‌های بسیاری را طراحی نمود. ساختمان‌های مسکونی، درمانی، پذیرایی، اداری، مراکز فرهنگی، مذهبی، تاسیسات هنری، طراحی منظر، گستره فعالیت او را شامل می‌شود.

استودیو آندرامتین فضاهای ساده را بطور هوشمندانه و خاص، تلفیق و به زیبایی، طراحی می‌کند. او ضمن تأکید بر رابطه بین فرهنگ و میراث امروزی، پروژه‌هایی را ارائه می‌دهد که از نظر روحی، متنوع، اما همچنان فراگیر و عامه‌پسند باشند.

آندرامتین به عنوان یک استودیو، همواره هنرش بروز کرده و به آینده اندونزی فکر می‌کند. این استودیو به عنوان بخشی از مسئولیت اجتماعی در زندگی مردمش، بطور مستمر در پروژه‌های اجتماعی و توسعه امکانات عمومی در مناطق روستایی فعال است.

• منبع:

تصاویر پروژه: ماری ویوو
نقشه‌ها: آندرامتین

اعضای کمیته راهبری جایزه معماری آقاخان ۲۰۲۵



سارا ام وایتینگ



هاشم سرکیس



گورلو نجیب اوغلو



لسلی لوکو



سلیمان بشیر دیاکنه



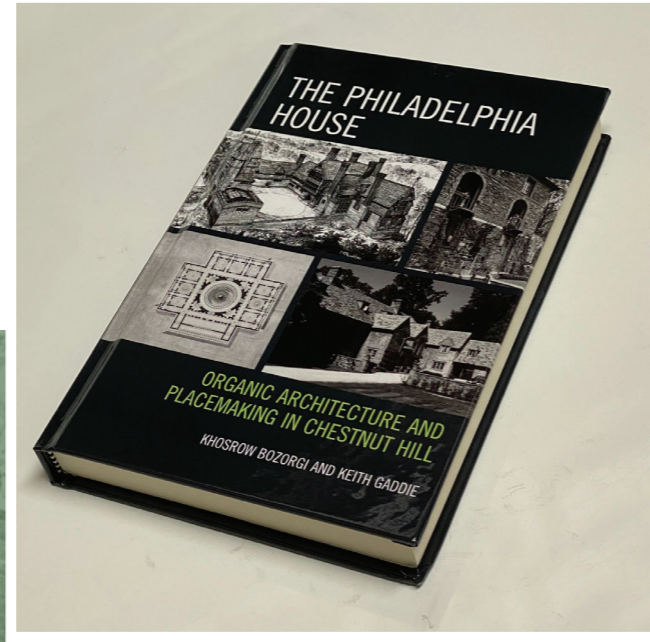
میسا باتایانه



حضرت والا آقاخان
رئیس هیئت مدیره

خانه فیلادلفیا

معماری ارگانیک و مکان‌سازی در چسنت هیل



بخش چسنت هیل، واقع در گوشه غربی فیلادلفیا، مدت‌هاست به دلیل معماری منحصر به فرد و طراحی چشم‌انداز جذاب در شمال شرقی آمریکا شهرت دارد. این شهرت به ویژه برای طرح‌های معماری در دهه‌های ابتدایی قرن بیستم در جایی که همچنان در حومه راه‌آهن، درست در محدوده شهری باقی‌مانده، مشهود است. در کتاب "خانه فیلادلفیا: معماری ارگانیک و مکان‌سازی در چسنت نات هیل"، نویسنده به بررسی منشأ و تکامل آنچه که آنها "خانه روستایی متمایز چسنت هیل" می‌گویند، می‌پردازند.

نویسنده شکوفایی این خانه روستایی در چسنت هیل را به چندین عامل در هم تنیده نسبت می‌دهد که یکی از آنها ظهور چندین معمار جوان فوق‌العاده با استعداد در فیلادلفیا است که ویژگی بارز آن سایت‌های ساختمانی محلی در منظره‌ای متشکل از تپه‌ها، دره‌ها و جویبارهای پرپیچ و خم است، جاییکه بیشتر زمین‌ها در اوایل قرن بیستم دوباره تبدیل به جنگل شدند. آب و هوای معتدل منطقه امکان زندگی در فضای باز را فراهم می‌کند. "ویژگی‌های منحصر به فرد" فیلادلفیایی‌های ثروتمند، که نویسنده آن را به سنت‌های ساده کواکر نسبت می‌دهند (حتی در میان بسیاری که خودشان عضو انجمن مذهبی کواکر نبودند) باعث شده بود که بیشتر عمارت‌های مجلل برای مسکن مورد قبول واقع نشوند. علاوه بر این، در واکنش به هرج و مرج و زشتی صنعتی شدن، یک نوستالژی رمانتیک دیر هنگام برای زندگی روستایی وجود داشت که معروف به جنبش هنر و صنایع دستی شد. این جنبش بخشی از شورش علیه تولید ماشینی بود، در دسترس بودن صنعتگران محلی بسیار با استعداد، و یک سنگ ساختمانی جذاب محلی به نام شیست ویسایه‌کون که برای بازسازی سبک‌های بومی روستایی بسیار مناسب بود.

ویژگی بارز معماری خانه های روستایی در تپه چسنت، وحدت ارگانیک آن است، به ویژه در آنچه که "خانه باغ محصور نامیده می‌شود... [الف] وحدت مفهومی که خانه‌ها و باغ‌ها را به جای شریک مستقل، به دو شریک خوشبخت تبدیل می‌کند". چنین چیدمانی در قلب جریان "درون/بیرون" فضاها قرار داشت که بیشتر بر ارتباط بی‌وقفه با فضای بیرون تأکید می‌کرد.

این کتاب شامل کارهای چندین معمار فیلادلفیا یا شرکت‌های معماری است: ملور، میگز و هاو، رابرت آر. مک گودوین و ویلینگ و سیمز به همراه هفت خانه و باغی که در منطقه چسنت هیل طراحی کردند. این نشریه همچنین حاوی ده‌ها تصویر از این املاک و ویژگی‌ها است که هم بینش و هم لذت را برای خوانندگان به همراه دارد. معماران، مورخان معماری، و کسانی که در شمال غربی فیلادلفیا و همچنین در جوامع مختلف در سراسر کشور زندگی می‌کنند، خواهان بدست آوردن این رساله چند وجهی در مورد خانه فیلادلفیا هستند.

ایده اصلی برای نوشتن این کتاب علاقه تحقیقاتی من به برنامه‌ریزی منحصر به فرد خانه‌های روستایی توسط معماران برجسته فیلادلفیا از جمله ملور، میگز و هاو؛ رابرت آر مک گودوین؛ و ویلینگ و سیمز، با تأکید بر وحدت خانه و باغ بود که مشخصه بهترین طرح‌های دوران در طول دهه‌های ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۰ است. شیفتگی من به کار این معماران به اواخر دهه ۱۹۸۰ برمی‌گردد، زمانی که من برای مدرک دکترای معماری در دانشگاه پنسیلوانیا زیر نظر پروفیسور جی. هلمز پرکینز تحصیل می‌کردم. من همیشه مدیون پروفیسور پرکینز برای راهنمایی و الهامات فکری او در معرفی ام به کار با ملور، میگز و هاو هستم.

اهمیت این کتاب به تأثیر قوی آن بر آموزش و حرفه معماری است. معماران خانه‌های روستایی که در این کتاب مورد بحث قرار گرفته‌اند، زمینه اجتماعی و آموزشی مشترکی در سنت کواکر فیلادلفیا با پیوندهای فرهنگی دیرینه با اروپا داشتند. همه معماران تحصیلات حرفه‌ای خود را تحت سیستم آموزشی دانشکده هنرهای زیبا به پایان برده‌اند. ترکیبی مفهومی که رمانتیسم انگلیسی هنرها و صنایع دستی را با روش ترکیب‌بندی دانشکده هنرهای زیبا که در اواخر قرن نوزدهم عقلانی شد، تطبیق داد، کلید این مطالعه بود. این کتاب نشان‌دهنده رویکرد جدیدی به تحلیل تاریخی و حرفه‌ای معماری منظر در ساحل شرقی آمریکا است. تمام نمونه‌های معماری مورد مطالعه در این کتاب، محصول یک میراث فرهنگی مشترک است که به طور منحصر به فردی، تصویر طبیعی و روستایی چسنت هیل و چشم‌انداز ژرمن‌تاون در پنسیلوانیا را در چهارچوبی از محوطه‌ها و باغ‌های درون‌نگر مشخص کرده است. این یکنواختی که از نظر ارگانیکی با شکل طبیعی سایت ادغام شده است، سهم ویژه‌ای در مفهوم جو غالب مکان دارد.

از تمام کسانی که به من در تکمیل این کتاب کمک کردند بی‌نهایت سپاسگزارم. مایلم با تشکر فراوان از بنیاد گراهام برای مطالعات پیشرفته در هنرهای زیبا به دلیل کمک مالی سخاوتمندانه‌ای که از این موسسه معتبر برای شروع نگارش این کتاب دریافت کردم، شروع کنم.

در این کتاب، تصاویر، نقشه‌ها و نقاشی‌ها برای گفتمان معماری و بیان ایده‌ها و مفاهیم تاریخی ضروری است. کتابخانه‌ها و آرشیوهای زیر مقدار زیادی اطلاعات گویا و تصاویر تاریخی نادر و باورنکردنی را با این کتاب به اشتراک گذاشتند. بنابراین، خود را مدیون کتابخانه‌های زیر در دانشگاه اوکلاهوما و آرشیوهای اصلی فیلادلفیا می‌دانم. سیستم کتابخانه‌ای در دانشگاه اوکلاهوما شامل کتابخانه‌های زیر است: کتابخانه بیزل، کتابخانه کالج معماری، مجموعه تاریخ علم، کتابخانه هنرهای زیبا و کتابخانه اینترلون. در فیلادلفیا، دو تا از بهترین آرشیوهای سراسری به من کمک بزرگی کردند: آنتانوم فیلادلفیا، و آرشیو معماری در دانشگاه پنسیلوانیا.

دکتر خسرو بزرگی، استاد معماری در دانشگاه اوکلاهوما

فرهاد مجذوب

معمار موسیقی دان

”پنجاه سال پیش بود که گیتار آکوستیک برادر بزرگترش، او را شیفته خودش کرد. در همان سال‌های جوانی، آنقدر تمرین کرد و ساز زد که پس از قبولی در رشته معماری دانشگاه ملی در سال ۵۳، پدرش برای او یک گیتار الکتریک خرید.“



فرهاد مجذوب، متولد چهاردهم شهریور ۱۳۳۴ در تهران است. در دوران جوانی و از همان ابتدا، خودآموختگی را پیشه کرد. خودش می‌گوید: استادانش کسانی مثل دیپ پرپل، سانتانا، لدزپلین و پینک فلوید، بودند. مجذوب، قطعات گروه‌های مطرح راک دهه ۶۰ و ۷۰ را در کافه‌تریاها و سالن‌های مختلف آن دوره، اجرا می‌کرد.

او برای نواختن موسیقی بزرگان عالم، کپی صفحه‌های گرامافون خارجی که پس از انتشار جهانی، بسرعت، وارد ایران می‌شدند را می‌خرید، گوش می‌داد و مجدداً، اجرا می‌کرد. آن زمان، موسیقی راک فاقد نُت بود و تا اواخر دهه هفتاد، تنها شعر و آکوردبندی آثار راک، نوشته می‌شد. در دورانی که هنوز زمینه این نوع از موسیقی، فراهم بود، مجذوب، مجموعه‌ای از کاور قطعات موسیقی معروف دنیا را منتشر کرد. کیفیت آثارش به حدی بود که بسیاری، کارهایش را با نمونه اصلی، اشتباه می‌گرفتند.

بعد از انقلاب ۵۷، اما، جامعه به این گروه از هنرمندان، بخصوص نوازندگان گیتار الکتریک، روی خوشی، نشان نداد. او بناچار، به سراغ گیتار آکوستیک رفت. تنها استادش در آن دوران، دکتر سیمون آیوزیان (۱۴۰۱-۱۳۲۳) استاد دانشگاه و آموزگار گیتار و معماری بود. پس از گذشت حدود بیست سال، حوالی سال ۷۷ همکاری با خوانندگان مطرح و پیشرو در حوزه موسیقی پاپ، مانند: محمدرضا عیوضی، ناصر عبدالهی، نیما مسیحا، امیر تاجیک و... را آغاز کرد. فعالیت مجدد هنری مجذوب با محمدرضا عیوضی (خواننده تیتراژ فصل اول و دوم سریال «روزگار جوانی» که در سال ۷۸ به شهرت رسیده بود) با اجرای چندین کنسرت در همان سال‌ها، مجدداً آغاز شد.

فرهاد مجذوب با همان متانت و وقار خاص خودش، در اتاق کار منزلش، می‌سازد و می‌نوازد. با اینکه دنیای بی‌رحم موسیقی به او و بسیاری از دوستانش، روی خوشی نشان نداده است، اما همچنان با عشق و حرارت به کارش ادامه می‌دهد. او شاگردان بسیاری را تعلیم داده که از بین آنها، می‌توان به امید حجت، از افراد تأثیرگذار این حرفه در دهه ۷۰، اشاره کرد.

در بخشی از گفت و گوی امید حجت در سایت خبری و تحلیلی "موسیقی ما" در سال ۹۶، وی فرهاد مجذوب را اینچنین معرفی کرد:.... به شکل اتفاقی در یک ساندویچی در شهرک چشمه داشتیم درباره گیتار حرف می‌زدیم که مدیر آنجا گفت پس خوب است فرهاد مجذوب را ببینی!... من هر چه بدم از لطف او است. فرهاد خان را که دیدم متحول شدم. دو، سه روز من و ایمان (برادرم) به فکر فرو رفتیم، چون تازه فهمیده بودیم که گیتار زدن یعنی چه!... مانده بودم پس این چیزهایی که ما می‌زدیم چه بودند؟! او دریایی را به روی من باز کرد که هنوز که هنوز است ته آن را ندیده‌ام و اصلاً دیدنی نیست و ای کاش یک روز برایش بزرگداشتی در خور شأنش گرفته شود....

او بعد از پنجاه سال، اولین آلبوم مستقلش در سال ۹۷ را منتشر کرد. «طلوع خورشید» مجموعه‌ای شامل ۸ آهنگ از ساخته‌های او است و قصد دارد، اینبار، کنسرت باشکوهی برگزار و کارهایش را به عموم علاقمندان معرفی کند.

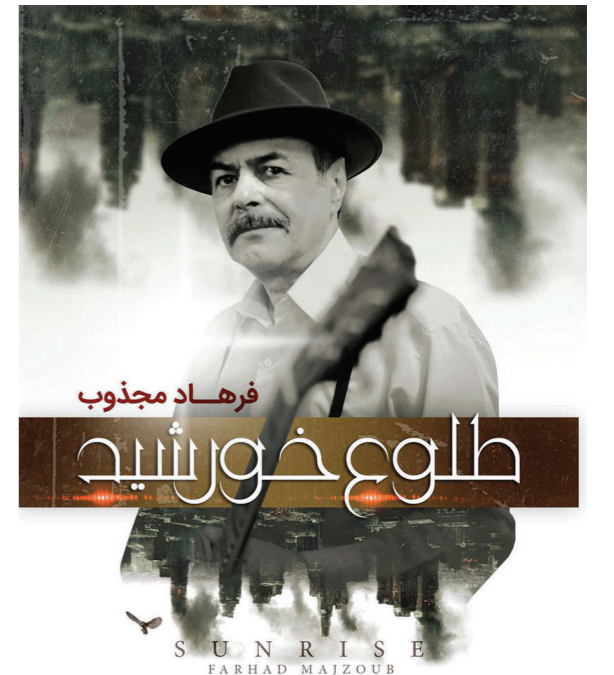


توضیح اسامی اشاره شده در متن:

محمدرضا عیوضی متولد ۱۳۵۰ در اواخر دهه هفتاد، وارد موسیقی پاپ شد.
 ناصرعبدالی (۱۳۴۹-۱۳۵۸) آهنگساز-ترانه سرا و خواننده موسیقی پاپ.
 نیما مسیحا متولد ۱۳۵۳ در اواخر دهه ۶۰ بعنوان خواننده تنور در گروه کر تالار وحدت فعال بود. سپس در اواخر دهه هفتاد وارد موسیقی پاپ شد.
 امیر تاجیک متولد ۱۳۴۷، در اوایل دهه شصت، در تئاتر فعالیت داشت. سپس در اواخر همان دهه وارد حرفه خوانندگی گردید.

• منبع:

- آرشیو گروه تحقیق و مصاحبه معمار ملی
- آرشیو شخصی هنرمند
- سایت خبری و تحلیلی موسیقی ما

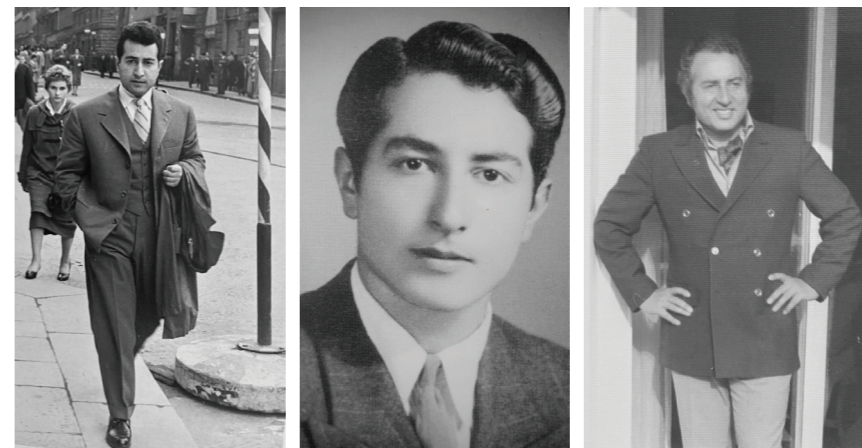


استاد دانشکده معماری



ایرج

اعتصام ۱۳۰۹-۱۴۰۱



ایرج اعتصام در سال ۱۳۰۹ در شهر گرگان متولد شد. پس از طی دوران تحصیل در ایران و تکمیل دوره آموزشی در فلورانس ایتالیا و اخذ دکتری در سال ۳۹ به ایران بازگشت و به تدریس در دانشکده هنرهای زیبا مشغول شد. در آخرین دیدار گروه تحقیق و مصاحبه معمارملی در تیر ماه سال ۹۸ در منزل ایشان، اینچنین توضیح می دهند:

... در همان سال ۳۹ که بصورت پاره وقت در دانشکده هنرهای زیبا، مشغول بودم، دانشگاه ملی توسط مرحوم علی شیخ الاسلام (اولین رئیس دانشگاه ملی) و مسعود جهان آرا (اولین رئیس دانشکده)، تاسیس شد. مرحوم جهان آرا، جهت تغییر کاربری فضای داخلی ساختمان مسکونی خریداری شده (واقع در دوراهی یوسف آباد) به کاربری فضای آموزشی مناسب برای دانشکده معماری از من دعوت کردند. من باتفاق مرحوم حاتمى، مسئولیت بازنگری ساختمان موجود را عهده‌دار و فضاهای موجود را تغییر دادیم. طبقه زیرزمین، جهت فضای کتابخانه و طبقات به آتلیه‌ها اختصاص پیدا کرد. سایر فضاهای اداری نیز به فراخور نیاز دانشکده، طراحی شد. پس از اتمام کار، مرحوم جهان آرا از من خواستند تا درس تاریخ هنر را نیز در دانشکده بعهدہ بگیرم... .

اعتصام در همان سال‌های تاسیس دانشکده، بعنوان دانشیار دانشکده معماری دانشگاه ملی ایران، مشغول به آموزش و همزمان بعنوان دانشیار و رئیس دفتر فنی دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران نیز، فعالیت داشت.

وی در همان مصاحبه، چنین می گوید:

... من حدود ۵ سال همزمان در دو دانشکده هنرهای زیبا و ملی، تدریس کردم. سپس مجدداً به دانشکده هنرهای زیبا برگشتم. در طول مدت حضورم در دانشکده معماری دانشگاه ملی، علاوه بر تدریس تاریخ هنر، در آتلیه نیز تدریس می‌کردم... با توجه به تجربه دانشکده هنرهای زیبا و کمبودهای موجود در برنامه درسی آن دانشکده، کمبودها، جبران و درس شهرسازی و دروس تئوری دیگری نیز مانند ریاضی و مقاومت مصالح، برای اولین بار در دانشکده اضافه و برنامه درسی تکمیل شد. درس شهرسازی، بعدها در برنامه درسی دانشکده هنرهای زیبا، اضافه شد... .

اعتصام، همکاری استاد مگردچیان، که خود نیز از اساتید برجسته دانشکده بود، مهندسین مشاور امکو (اعتصام-مگردچیان) ایران در سال ۱۳۴۲ را تاسیس و فعالیت حرفه‌ای خود را ادامه داد.

او در ادامه مصاحبه، چنین می‌گوید:.... دانشکده معماری ملی بدلیل توجه به مسایل اجرایی و داشتن دروس پایه و تئوری قوی، از بعد دید و نگرش اجرایی، جلوتر از دانشکده هنرهای زیبا بود... .

• منبع:

- آرشیو گروه تحقیق و مصاحبه معمار ملی
- آرشیو شخصی هنرمند



وی علاوه بر کسوت استادی دانشکده، بعنوان مشاور عالی و محقق مهندسین مشاور امکو و موسسه بین‌المللی دوکسیادیس، مطالعات خود را نیز ادامه داد. استاد مدعو در دانشگاه واشنگتن در سیاتل، محقق مرکز مطالعات شهری دانشگاه کالیفرنیا در برکلی، مدرس دانشگاه برکلی آمریکا و ... از فعالیت های او بود...

پارک شاهنشاهی سابق (پارک ملت کنونی) در سال ۱۳۴۰- طراحی و بهسازی بارگاه متبرک حضرت شاه چراغ در شیراز (توسعه توریسم مذهبی) در سال ۵۵- طرح‌های تفضیلی بسیاری از شهرهای کشور- همچنین پروژه‌های مسکونی در بسیاری از ایالت‌های آمریکا، نمونه‌ای از فعالیت او بشمار می‌رود. وی همچنین تالیف و نگارش کتب بسیاری را نیز برعهده داشت.

از سال ۱۳۵۰ بعنوان کارشناس ارشد طرح‌ریزی منطقه‌ای سازمان ملل متحد و از سال ۱۳۵۲ عضو کانون کارشناسان رسمی دادگستری بود... اعتصام در دوران فعالیت خود، بعنوان عضو انجمن بین‌المللی مطالعات محیط‌های سنتی، انجمن معماران و انجمن شهرسازان آمریکا، جوامع بین‌المللی یونان، فدراسیون بین‌المللی مسکن و طرح‌ریزی لاهه، هلند، هیات امناء انجمن مفاخر معماری ایران، فعال و همواره با اعضای این انجمن‌ها در ارتباط بود.

اعتصام، بی شک یکی از پیشگامان عرصه آموزش در دانشکده بود که توانست طی سال های حضورش در دانشکده، دانشجویان بسیاری را تربیت کند. پس از سال‌ها، حضور در عرصه آموزش و پژوهش، سرانجام در یک روز زمستانی سال ۱۴۰۱ در سن ۹۲ سالگی در خارج از کشور، بدرود حیات گفت... روحش شاد

کلیه ی حقوق مادی و معنوی این مجله متعلق است به

گروه تحقیق و مصاحبه ی معمار ملی - ۱۴۰۲